



پرورش جست و جوگری

تجربه یک معلم برای تقویت روحیه جست و جوگری در بچه‌ها

یکی از وظایف معلمان و مربیان در طراحی آموزشی، برقراری ارتباط بین موضوع آموزشی و امور زندگی است. اما نکته قابل تأمل این است که برای موفقیت در این رویکرد (Approach) و روش (Method) باید توجه داشته باشیم که بخشی از زندگی دانش‌آموزان در منزل و در کنار خانواده سپری می‌شود. به نظر می‌رسد، آگاه و همراه بودن خانواده با این رویکرد می‌تواند در پیشبرد برنامه‌های مدرسه تأثیر بسزائی داشته باشد. برای این همراهی و هم‌فهمی، برقراری جلسات هم‌اندیشی درباره چگونگی استفاده والدین از فضاهای زندگی روزمره می‌تواند تأثیرگذار باشد. آنچه در زیر می‌آید، حاصل تجربه یک مربی (معلم) برای توجه و تقویت روحیه جست و جوگری فرزند خود است که در جلسه با اولیا، برای استفاده از فرصت‌های مناسب به‌منظور تقویت داشتن نگرش علمی به مسائل زندگی روزمره ارائه شده است. فرزند من شش سال دارد و در شبانه‌روز حدود ۱۰ ساعت می‌خوابد. ۱۴ ساعت دیگر آن را که بیدار است، مشغول چه کارهایی است؟

فرزانه نوراللهی

می‌کنند. چنین مادرانی، صرفاً به دنبال بزرگ شدن جسم فرزند خود نیستند، بلکه وظیفه آن‌ها در قبال فرزندانشان، زمینه‌سازی کشف و پرورش استعدادها و بسترسازی برای آن‌هاست. در ارائه این تجربه، برخورد مادر (من) در برابر کنجکاوی‌های دنیای فرزند شش ساله بیان می‌شود. این رویارویی پنج محور اصلی دارد. در هر محور، تجربه‌های واقعی مورد بررسی قرار می‌گیرد:

تجربه فرزند من از دنیای اطراف که برایش ناشناخته است، بسیار کم و ناچیز است. او با فطرت جست و جوگرش علاقه دارد دامنه تجربه‌های خود را افزایش دهد تا دنیای اطرافش را بهتر بشناسد. مادران آگاه نسبت به اهمیت ارتباط خانه و مدرسه، مادرانی هستند که با توجه به شناخت دقیق روحیات جست و جوگرانه فرزند خود، روش‌های برخورد مناسب با آن‌را می‌دانند و با صبوری و حوصله با آن برخورد



● ایجاد محدودیت‌های لازم محور اول: بسترسازی ● دادن اطلاعات و آگاهی مناسب

● ایجاد محدودیت‌های لازم

دیدن برنامه‌های کودک تلویزیون (شبکه پویا)، انجام بازی‌های رایانه‌ای و هر چیز دیگری که فرزند را از دنیای واقعی اطرافش ایزوله می‌کند، باید محدود شود. زمان استفاده از آن‌ها هم برحسب شرایط خانواده و فضای فرهنگی آن تعیین می‌شود.

با توجه به برنامه‌ریزی من برای فرزندم، او در طول روز، یک ساعت از شبکه پویا استفاده می‌کند و یک ساعت بازی رایانه‌ای انجام می‌دهد؛ بازی‌هایی که آن‌ها را برحسب شرایط سنی‌اش گزینش کرده‌ام.

● دادن اطلاعات و آگاهی مناسب

مادر: پسر (دخترم)، این غذا گردن مرغ است. وقتی گوشت‌ها را از استخوان‌ها جدا و نوش جان کردی، استخوان‌ها را خوب مشاهده کن. فرزند: یک نخ سفید وسط استخوان می‌بینم. مادر: این نخ سفید اسمش نخاع است. لمسش کن! نرم است یا سفت؟

فرزند: نرم است. زود تکه‌تکه شد.

مادر: این نخاع از وسط استخوان‌های گردن رد می‌شود. چون خیلی نرم و لطیف است، استخوان‌های گردن و ستون فقرات که پشت ما هستند، از آن محافظت می‌کنند. اگر خدای نکرده در اثر تصادف یا شکستگی استخوان، نخاع آسیب ببیند، قطع نخاع می‌شویم و بدن فلج می‌شود.

فرزند: ماما این نخ سیاه چیست؟

مادر: این رگ خونی است که وظیفه‌اش گذارسازی به گردن است.

محور دوم: مشاهده رفتارهای کودک

فرزند شما روفرشی را می‌تکاند، به شکلی که موج ایجاد می‌شود. او از این حرکت بسیار به وجد آمده است و این عمل را چند بار تکرار می‌کند.

«مامان، ببین چه حرکت جالبی!»

مادر: «خیلی جالبه پسر (دخترم). اگر سریع‌تر دستت را بالا و پایین کنی، باز این شکل ایجاد می‌شود؟!»

فرزند من هنگام شستن دست‌ها عادت دارد با دستان کفی خود حباب بازی کند. این عمل بارها تکرار می‌شود و او همیشه از این کار لذت فراوانی می‌برد.

- ماما، ببین این حباب را، الان دو تا می‌شود. مادر که فرزند را همراهی می‌کند، او را تشویق می‌کند و می‌گوید: «آفرین پسر (دخترم). به نظرت چگونه می‌توان بزرگترین حباب را ساخت؟!»

محور سوم: کشف استعدادها

فرزند برحسب شرایطی که آزمایش‌ها را انجام می‌دهد، مشاهدات خود را توضیح می‌دهد. مادر سؤالات دیگری از او می‌پرسد و این گفت‌وگو ادامه پیدا می‌کند تا وقتی که فرزند پاسخ می‌دهد. مادر: «خب، حالا با هم میز را تمیز کنیم و وسایل را سرجایشان بگذاریم.»

پسرم (دخترم) ضمن خوردن یک لیوان آب یخ (که قطعه‌ای یخ داخل لیوان است) لیزری را که در دست دارد، روشن و رد آن را در لیوان آب و یخ دنبال می‌کند. او ضمن بازی، مشاهده می‌کند یخ سفید رنگ، قرمز می‌شود و رنگ‌های لیزر را به خود می‌گیرد. هیجان‌زده مادر خود را صدا می‌کند تا کشف‌های تازه‌اش را به او نشان بدهد. مادر و فرزند با همراهی هم، این مشاهدات را گسترش می‌دهند و بررسی می‌کنند آیا نور لیزر از آب لیوان یخ عبور می‌کند یا نه؟!

فرزند: «مامان، می‌شود لطفاً یک ظرف آبی به من بدهی. می‌خواهم آزمایش کنم!»

مادر: «بله پسرم. آفرین، می‌خواهی چه کار کنی؟! ما می‌توانیم آشپزخانه آزمایش رو انجام بدیم.»
فرزند: «مامان، پودر هم لازم دارم، از این پودرهای سیاه و قهوه‌ای و...»

مادر: «اشکالی ندارد پسرم (دخترم). شما بنشین پشت میز، من وسایل را در اختیار قرار می‌دهم.»
فرزند داخل لیوان آب، نمک، قند، پودر فلفل و بقیه پودرهای رنگی دور و بر خود را می‌ریزد و مخلوط را هم می‌زند. پس از مشاهده آن‌ها و کمی بازی با این وسایل، می‌گوید: «مامان، آزمایشم تمام شد.»

مادر: «خب آفرین! چه چیزی دیدی؟ آیا پودرهایی که داخل آب ریختی، روی آب ماندند یا رفتند زیر آب؟ می‌توانی نمک‌هایی را که داخل آب ریختی نشانم بدهی؟!»



محور چهارم: پرورش



مادر: چه جالب! راست می‌گویی، چه دندان‌های تیزی دارد! فکر میکنی کوسه چه اندازه‌ای دارد، محل زندگی‌اش کجاست؟ و حالا اطلاعاتی را که معمولاً می‌توان از کتاب به‌دست آورد، استخراج می‌کند و در اختیار فرزند قرار می‌دهد.

زمان‌هایی که فرزند خودش سؤال می‌پرسد، فراگیری‌اش بسیار زیاد می‌شود. او معمولاً عین مکالمات را به‌خاطر می‌سپارد. هنگام دیدن فیلم‌های مستند تلویزیون، حتی بعضی کارتون‌های جالب شبکه پویا که بیشتر جنبه علمی دارند و قصه‌های منتخبی که شب هنگام برای فرزند می‌خوانید، زمان مناسبی برای انتقال این نظرات و اطلاعات است!

فرزندم قطعه‌ای یخ از فریزر برمی‌دارد و جلوی شومینه قرار می‌دهد. یخ به سرعت سُر می‌خورد، می‌افتد زمین و کوچکتر می‌شود. در مرحله بعد، قطعه دیگری یخ بر می‌دارد و چندین دستمال کاغذی دور آن می‌پیچد و آن‌را در مقابل شومینه قرار می‌دهد. این بار یخ دیگر سر نمی‌خورد. پس از مدتی که دستمال‌ها را از دور یخ باز می‌کند، مشاهده می‌کند یخ‌ها هنوز آب نشده‌اند. مقایسه حالت‌هایی که مشاهده می‌کند، سؤال‌های دیگری برایش به وجود می‌آورند. بنابراین او نزد مادر می‌آید. مادر در این مرحله، آگاهانه او را متوجه عایق‌پوش بودن یخ در بخش دوم آزمایش می‌کند که باعث دیر آب شدن یخ می‌شود. او با طرح سؤالات و مشاهدات دیگر، همراه او این پدیده را تحلیل می‌کند. پسر (دخترم) از دیدن تصاویر کتاب‌های علمی کودک و نوجوان خیلی لذت می‌برد. در چنین فرصت‌هایی می‌توان با او همراه شد و اطلاعات لازم را به‌صورت بحث و گفت‌وگو در اختیارش قرار داد.

فرزند: «مامان این کوسه را ببین، چه دندان‌های تیزی دارد! دهانش خونی است. فکر کنم این ماهی را خورده است.»

محور پنجم: تحقیق و مطالعه

پاسخ آگاهانه به پرسش‌های بی‌شمار فرزند

کمی در خود، به‌عنوان ولی فرزند خود، تأمل کنیم. برخوردایی را که با جست‌وجوگری او داریم، به خاطر بیاوریم. چقدر مشتاقانه به سؤالات و کشف و شهودهای او که در حد و سن خودش بسیار جالب و هیجان‌انگیز است، بها می‌دهیم؟! مطمئن باشید همین دوران کودکی، فرصت طلایی رشد و پرورش فکر و اندیشه فرزندمان ماست. ما مسئولیت این مهم را به عهده داریم. پس به تحقیق و مطالعه مداوم نیاز داریم تا هم‌پای او، با سؤالات تفکر برانگیزش، حرکت کنیم و روحیه فطری جست‌وجوگری‌اش را با پاسخ‌های نامناسب سرکوب نسازیم!